

# بهنام خدا

## چاپخانه

شماره هفتم | زمستان ۱۴۰۰

CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

## ۱| نمایشگاه حاضر The plane of possibility

به دنبال درک چگونگی «فرآیند دیدن» و جستجوی فرمی در نقاشی ایرانی، راه به جایی بدم که مجموعه پیش رو بخشی از آن است. بستر منظره‌پردازی، زمینه‌هایی فراهم ساخت تا آگاهانه و خودخواسته، با ترکیب عناصر ساختارمند و سیار، سطوح متعددی به وجود آیند که با کنترل جهت‌های دید، نگاه مخاطب را به تکاپو وادارند. در این مجموعه، بعدنمایی، با ایجاد توهی از عمق و نحوه قرارگیری عناصر در قاب تصویر شکل می‌گیرد؛ اینجاست که سطوح اهمیتی چند برابر پیدا می‌کنند و عناصر کوچک و بزرگ برای تعریف وسعت فضا به کاربرده می‌شوند. استفاده از کلاژ این امکان را فراهم آورد تا با تقویت همبستگی میان سطوح مختلف، فرآیند دیدن بیشتر به چالش کشیده شود. دشت امکان صحنه و قوع اختیارات نگاه است.

به قلم پریا فرخی

در نمایشگاه پیش رو، همان طور که فرخی می‌گوید با "صحنه و قوع اختیارات نگاه" مواجه هستیم. صحنه‌ای که از سطح، پرسپکتیو و رنگ به بهترین شکل برای یافتن سوال خود استفاده می‌کند. تمام دغدغه پریا فرخی "نگاه کردن" است. نگاهی که به تعداد آدم‌ها راه برای دیده شدن و درک کردن دارد. در این مسیر تمام ویژگی و تاریخ هنر ایران می‌تواند همانند اسبی تیزپا ما را یاری کند و به درک ما سرعت بخشد. اما این نکته را هم باید در نظر داشت که سرعت می‌تواند از نبوغ و شخصی سازی برداشت و حتی از فکر کردن، جلوگیری کند. بنابراین بهتر است نگاه خود را کمی رام کرده و به آرامی آن را بر سطوح نقش بسته شده در آثار نمایشگاه دشت امکان حرکت دهیم.

## ۲| درباره هنرمند

سال ۹۲ | شرکت در نمایشگاه هفته نقاشی | دانشگاه هنر تهران

سال ۹۴ | شرکت در بیست و دومین جشنواره تجسمی جوانان نیشابور

سال ۹۵ | برگزیده بیست و سومین جشنواره تجسمی جوانان سنندج

سال ۹۶ | شرکت در سی و مین جشنواره تجسمی ژکال

سال ۹۷ | نمایشگاه گروهی نقاشی "کران" | گالری ویستا

سال ۹۸ | شرکت در چهارمین جشنواره تجسمی ژکال

سال ۹۸ | نمایشگاه گروهی هفتمین دوره مهمانی هنر | خانه هنرمندان

سال ۹۸ | هفتمین سالانه تبادل چاپ دستی | انگارخانه لاله

سال ۹۸ | شرکت در دومین اکسپو نقاشی دانشگاه الزهرا | خانه هنرمندان

سال ۹۹ | نمایشگاه گروهی "رب النوع" | گالری شیدایی تهران

سال ۹۹ | نمایشگاه گروهی "سنگلاخ" | گالری آ تهران

سال ۹۹ | شرکت در اولین دوسالانه نقاشی شاهنامه مشهد

سال ۱۴۰۰ | نمایشگاه گروهی "فضا دفتر اول" | گالری اولیوا شیکاگو

سال ۱۴۰۰ | نمایشگاه انفرادی "دشت امکان" | گالری شریف تهران

سال ۱۴۰۰ | نمایشگاه گروهی "خطی بر دیوار" | گالری نووان تهران

## × اعضاء چاپخونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتورخونه  
مدیر مسئول و مدیر هنری: سپهر سیاح | ۴  
سردبیر: شیدا بردبار | ۱-۲-۳  
ویراستار: مرجان شعائیری  
گرافیست: فائزه غیاثی  
تصویربر: پریا زارع

## ۳| جستاری کوتاه درباره فلسفه هنر

در هفتمين سري گفتار چاپ خونه، ابتدا انديشه‌های نیچه در مورد هنر را از طريق دو موضوع اصلی فرازيباي شناختي او يعني "ما بعد الطبيعه و اخلاق" موردنرسی قرار خواهيم داد و سپس به بررسی زيباي شناسى دوران بلوغ فکري او خواهيم پرداخت. نیچه در جوانی بسيار متأثر از شوپنهاور بود. در فلسفه شوپنهاور تمايز فلسفه کانتى بين جهان واقعی چنانکه در ذات خود هستند و جهان ظاهري اشیا، آن گونه که در تجربه می نمایند، به تمایزی بين اراده و نمودهای آن تبدیل می شود. از اين منظر اراده ذات جهان است: نیروی کوري که پيوسنه برای راه حلی دست نيافتنی می ستيزد و به همین جهت مدام ستيزه‌های بی معنی ديگري را ايجاد می کند. به عبارت ديگر درد، فقدانی جبران‌ناپذير و مصاديق متعدد اين ويزگی تشکيل دهنده جهان ظواهر یا تجربه‌هاست. اولين نگرش فلسفی نیچه به هنر حول همين محور بناسده است؛ که بر اين مينا ازنظر نیچه‌ی جوان در آثار هنری ترازيک دو اصل ديونيزی و آپولونی به صورت دو اصل متضاد يكديگر پيوند متداخل تشکيل می دهند.

ادعای اصلی نیچه اين است که در آثار هنری ترازيک دو اصل ديونيزی و آپولونی به صورت دو اصل متضاد با يكديگر پيوند متداخل تشکيل می دهند، به طوری که هيبيت ما بعد الطبيعه وجود در آن واحد هم آشكار می شود و هم تحمل ناپذير و ويرانگري های جذبه توسط رؤياها تغيير شكل می دهد و امر والا به واسطه حجاب ظواهر زيبا می نماید. اين دگرگونی ها معلول ترازيدي (به خصوص ترازيدي یوناني است). فقط ترازيدي می تواند اين گونه عمل کند « فقط به موجب پدیده زيبا است که وجود و جهان پيوسنه توجيه می شوند ». نیچه در دوره بعدی کار خود و در كتاب « انسانی، بسى انسانی » تمایز حاد واقعیت (واقعیت فی نفسه) و نمود را که ريشه در تفكير کانتى و بعدتر شوپنهاور داشت را رهانمود. انکار اين تمایز توسط نیچه « که همانا انکار ما بعد الطبيعه سنتی بود » تابع عمده‌های دربي داشت که فعالیت دهه ۱۸۸۰ نیچه را در برمی گيرد. اين دوره فکري دو نتيجه مهم را برای نیچه دربي داشت. يكى گشتن به دنبال تمایز ميان واقعیت و نمود و پرسيدن سوال « نمود اکتون برای من چیست؟ » که در كتاب دانش شادان مطرح می کند و به تمایز نه در ميان جهان واقعی و ظاهري بلکه به وجود تمایز در تجربه‌های معمولی و روزمره باور پیدا می کند.

نتيجه دوم اينکه، نیچه به ناچار در زيباي شناسى خود تجدیدنظر کرد. در دانش شادان چنین می گويد: « وجود به مثابه پدیده‌ای زيباي شناختي هنوز برای ما قبل تحمل است ». در اين بيان جهان یا همان واقعیت مستقل حذف شده است؛ جهان واقعی نابود شده است و در نبود واقعیت جهان آنچه باقی مانده است « وجود ». است. آن هم نه وجودی فی نفسه بلکه وجود بشری که در تجربه های روزمره همراه انسان است؛ و اين تعبيير به هیچ وجه دیگر حاکی از توجيه پيوسنه نیست بلکه فقط حاکی از قبل تحمل می شود. در اين تعبيير معنai « برای ما » است آن هم به اين معنا که قابل « تحمل بودن » توجيه پيوسنه برای ما هیچ جايگاهی ندارد: يعني هیچ جايگاهی برای ديدگاه‌های موجودات ذاتا گرفتار زمان و مكان مثل ما ندارد. از اين جهت چنین نتيجه حاصل می شود که تا پيش از اين « وجود به واسطه زيباي شناسى پيوسنه توجيه می شد اما از اين پس وجود باید به واسطه پدیده زيبا برای ما قبل تحمل گردد. به اين معنا هنر زندگی وجود را برای ما قبل تحمل می کند. به اين ترتيب تمایز واقعیت / نمود به جهان تجربه‌های بشری انتقال یافت. هنر به مشابهی نوعی دروغ و فریب عمل می کند. به قول نیچه: « هنر که در آن دروغ تطهیر می شود و در پس اراده معطوف به فریب، نیت « خیری نهفته است ». زندگی را از طريق کشیدن پرده دروغ بین ما و حقیقت جهانی که نمی توانیم تحملش کنیم، زيبا می گرداند.

## ۴| اقتصاد هنر

در اين سري از اقتصاد هنر به شيوه سرمایه گذاري در بازار هنری و نقش دلالان هنری خواهيم پرداخت. پس ازانکه نيوپورک به دليل جنگ جهانی به مرکز تمامی جنبش‌های هنری تبدیل شد، کنش‌های بسيار متفاوتی توسط هنرمندانی که از سراسر جهان در اين شهر جمع شده بودند شکل گرفت. جنبش‌هایی که با مصرفی شدن و تغيير شيوه زندگی، آثاری بسيار متفاوت از پيش را ارائه دادند. در اين ميان دلالان هنری نيز شيوه‌ای متفاوت از فعالیت را برعهده گرفتند. آنها با پرسوناسازی ويزه هنرمندان، بسياری از آنها را به ستاره‌های دنيای معاصر تبدیل کردن و آثار هنری در کثار شخصیت خود هنرمند در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. برای سرمایه گذاري درست و به جا در بازار هنر، چند نکته را باید در نظر بگيريم. اول اينکه اثر مورد توجه قرار گرفته مجموعه داران در هر رویداد مانند دوسالانه یا فستیوال تا چه اندازه تحت پوشش پرسونای آرتیست است. اين درصد در دنيای پست مدرن هرچقدر بيشتر باشد، سود حاصل از خريد را بيشتر تأمین می کند. دوم اين که سرمایه گذاري تمايل دارد در کدام بازار فعالیت داشته باشد. دنيای تاريخ هنر و هنرمندان بنام و یا دنيای هنرمندان جوان و خوش ذوق. البته که مورد اول راهی آسان و مطمئن است اما دنيای دوم نتها به گردد اقتصاد هنر جهان کمک می کند بلکه می تواند با توجه و انتخاب درست برگهای مهمی از تاريخ رارقم زند.